

هنر دینی - نقاشی در اسلام

فرشاد تقی نژاد¹، ودیبه ملاصالحی²، حسین ترابی³

1. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات پردیس سمنان

2. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

3. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات پردیس سمنان

چکیده:

موضوع ممنوعیت تصویر سازی و نقاشی در اسلام، در طول تاریخ اغلب توسط محققان مورد بحث بوده است. اکثر شرق شناسان باور دارند که اسلام به طور کلی مخالفتی با هنر ندارد لیکن بدلیل اینکه یک نگرانی واقعی در صدر اسلام، بازگشت احتمالی تازه مسلمانان به شرک و بت پرستی بوده است برای صورت‌گری و مجسمه‌سازی محرمیت قائل شدند لذا امروزه منابع و احادیث بسیار اندک و محدودی در رابطه با نقاشی و تصویر‌گری موجود است. در واقع امروز تاریخ نقاشی اسلامی به طور کلی ناشناخته مانده و چه بسا سالیان متمادی نادیده گرفته شده است. به هر صورت دین مبین اسلام همواره بر زیبایی و زیبایی‌شناسی تاکید کرده است.

"هو الجمیل و یحب الجمال؛ بی هنران را بگو گنج هنر زان ماست".

واژه‌های کلیدی: قرآن، هنر، نقاشی، مینیاتور، ایران

مقدمه:

نوشتار حاضر به تاریخچه نقاشی و تصویر‌گری در میان مسلمانان و نقش آنان در بسط و اشاعه این هنر خواهد پرداخت. نقش آنان در پیوند هنر شرقی با آموزه‌های ایرانی و تأثیری که از سبک‌های نقاشی شرق دور پذیرفتند را بررسی خواهد کرد. سرگذشت جمعی از معروفترین نقاشان ایرانی که علیرغم وجود محدودیت‌های عرفی و اجتماعی دست به آفرینش آثار شگرفی در حیطه نقاشی شرقی - ایرانی زدند و عالی‌ترین مفاهیم توحیدی، عرفانی و اساطیری را به تصویر کشیدند.

به جرات می‌توان ادعا نمود که هنر اسلامی دارای مرتبه‌ای رفیع در میان میراث بشری است. در معماری اسلامی آنجاکه زیبای و شکوه آثار آن در منتهای هماهنگی و هم‌آوایی با حکمت، عرفان و حساب و در نهایت سازگاری با آیین و اشکال عبادت و برآمده از فطرت بشری جلوه‌گری میکند.

صحن بزرگ مسجد ابن تولون و یا سازه‌های عظیم مسجد حسن در قاهره مسجد امام در اصفهان، از شریف‌ترین عبادتگاه در جهان هستند. و مسجد کوردووا، مسجد سلطان احمد در قسطنطنیه، گنبد سنگی در بیت المقدس، در غنای رنگ و فرم بی‌همتاستند. مقابر به یادماندنی از پادشاهان و قدیسین نیز در میان دستاوردهای بزرگ معماری اسلامی می‌باشد. در بسیاری از انواع دیگر هنر در زندگی متمدن، دستاوردهای هنر اسلامی در بالاترین مرتبه است؛ تابلو فرش ابریشم تبریز در میان بهترین‌ها در جهان هستند، فلز کاری، سفال‌گری، و هر هنری که به لفظ "اسلمی" خوانده شود تبلور اخلاص و عشق حقیقی و فریاد و باور به یکتایی احسن الخالقین است.

Architecture

معماری و شهرسازی

اما هنری که در میان مسلمانان اقبال بسیار یافت تا بدانجاکه در راه شیوه های نو به مطالعه و الگو برداری انواع آن در ممالک دیگر کردند هنر خوشنویسی بود. اهمیت نگارش قرآن به خط نیکو حتی پادشاهان به صرافت یادگیری این هنر انداخت تا از قافله رقابت با خطاطان کارآزموده عقب نمانند.

در دفتر چهارم دایره المعارف نفیس الجنون در قرن هفتم قمری برای اولین بار از خوشنویسی به عنوان هنر متعالی اسلامی یاد میشود. نویسنده، محمد بن محمد آملی، که کتاب را به زبان فارسی نوشته است، علوم را به دو شاخه علوم مدرن و یا اسلامی، متشکل از علوم ادبی، حقوقی، عرفان، و محاوره. و دوم، علوم باستانی، یعنی عملی و نظری فلسفه، ریاضیات، فیزیک، اما قابل توجه این است که حتی در طی یک بررسی دقیق اثر او در میابیم که نمی توان جایی برای حتی یک اشاره از نقاشی پیدا کرد. انتخاب او خوشنویسی است هنری برای تصویر کردن مفاهیم مقدس.

بنا بر آنچه در پیشتر آمد تفاوت خوش نویس و نقاش در جامعه اسلامی، به روشنی معلوم میگردد. دومی توسط مقامات مذهبی محکوم شد در حالی که از خوشنویسی در راه گسترش دین استفاده شد تا جائیکه این هنر به حد کمال رسید و هنرهای اصیل دیگری بدان مربوط و یا از آن منشعب شدند. هنرهایی نظیر طلا کوبی، صحافی، منبت، خاتم کاری و...

خوشنویسی گاه تحت تاثیر اندیشه نقاشان قرار گرفت (نقوش گل و مرغ حاشیه آیات قرآن) و گاهی وسیله ای برای تصویر گری و ایده پردازی نقاشان شد (خطوط ریتمیک و فرم ها تشخیص یافته از حروف در هنر مدرن). و بدین ترتیب هنر از مذهب اعتبار و نام گرفت و پذیرفته شد همچنانکه نقاشی در کلیسا مقام دارد.

از سوی دیگر، این عدم اقبال به نقاشی در جامعه اسلامی رو به کاهش بود. از سه دین بزرگ تبلیغی در جهان، شامل بودیسم، مسیحیت و اسلام، هر یک برای تسلط بر جهان و پیروزی و گسترش آیین خود تلاش میکردند و در این راه نیاز بود تا از تمام ظرفیتهای خود برای انتقال پیام و رسالت خویش بهره گیرند پس هنرهای تصویری به عنوان یک ابزار تبلیغ در خدمت مذهب در آمدند.

با این توصیف هنوز هم در تمامی ممالک اسلامی مساجد فاقد هرگونه شمایل تصویری و نقاشی مقدس مانند آنچه که در جوامع مسیحی در کلیسا وجود دارند، هستند.

نقاشی در دوران اسلامی

هیچ اشاره خاصی از حرمت تصویر در کلام خدا نیست "مؤمنان، از شراب و قمار و بت ها دوری کنید همانا که اینها از دام های شیطان هستند" این آیه روشن می سازد که هدف واقعی از ممنوعیت، اجتناب از بت پرستی بود. بنابراین اساس محکومیت هنرهای تصویری باید برای جاهای دیگر جستجو کرد.

گفتار متمایز با مفهوم قرآن، شاید حاصل اجتهاد متکلمان مسلمان است که حکم بر پایه جهد خویش دادند و نه پیروی از کلام وحی و سنت پیامبر.

احمد منشی در گلستان هنر، تعریفی دقیق از نگاه مسلمانان به هنر مینیاتور در عصر اسلامی ارائه می کند. هنرمند دینی تحت تعلیم ارشادی و رهایی بخش اسلامی، که ذاتا مشابه اعتقاد تشبیهی و تجسم گرایانه ادیان شرقی و اروپایی نیست، بر پایه آموزه های توحیدی تعریف دیگری از اومانیزم ارائه داد و مقام انسان را تا مقام قرب و فنا و لقا ارتقا داد. پس فضای نقاشی او تجلی مفاهیم ملکوتی و آسمانی شد.

رشد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

Architecture

معماری و شهرسازی

با ظهور اسلام و طی حکومت امویان و عباسیان نمونه‌های نادری از نقاشی مشاهده می‌شود حتی در دوران سلسله‌های ایرانی سامانیان، غزنویان و آل بویه نیز عمده آثار به دست آمده شامل مصورسازی کتاب‌ها می‌باشد و کمتر شامل نقاشی دیواری کاخ‌هاست.

نقاشی اسلامی، به‌ویژه در سده‌های اولیه، وسیله‌ای بیان مستقلی نبود بلکه به‌نوعی مکمل ادبیات به حساب می‌آمد. اولین آثار نقاشی اسلامی، حاصل تلاش نقاشان، در کار مصور ساختن بعضی از متون ادبی است. آنان محتوای آثار خود را از متن این کتب می‌گرفتند و بسته به ذوق خود، آن را در قالب اشکال زیبا ارائه می‌کردند. به‌طور کلی موضوع نقاشی اسلامی عبارت است از تصویرسازی کتاب‌های معتبر ادبی و مذهبی. همچنین، عنوان می‌شود که مسلمین در حین ترجمه آثار یونانی و بیزانسی تصاویر این کتب را نیز کپی برداری کرده‌اند.

اما به تدریج نقاشی در سرزمین‌های اسلامی اهمیت یافت. با سقوط خلافت عباسی طی دوره ایلخانی هنرهای کتاب‌سازی و نقاشی رشد شگرفی کرد. تاثیر هنر چینی و نقاشی‌های آسیای شرقی و مرکزی در این دوران مشهود است. سنت نقاشی ایلخانی در دوره‌های خلافت فاطمی در مصر و تیموریان در ایران، عثمانی‌ها در ترکیه و گورکانیان در هند پی گرفته شد. هنر نقاشی اسلامی در دوره صفوی به اوج رسید و در دوران زند و قاجار رنگ و بویی تازه یافت.

بزرگترین منبع تصویر سازی بر پایه ادبیات کلاسیک فارسی شاهنامه فردوسی بوده است. مینیاتور ایرانی به طور معمول تصویرگر سکنس‌های تاریخی، پرتره از افراد و یا حیوانات (به خصوص در هند)، و یا زیبایی‌های افراد بوده است.

در زمان خلافت عباسیان، سامانیان بر ایران حکم می‌راندند در این دوره نقاشی در ایران رونق می‌گیرد. کلیله و دمنه شاید قدیمی‌ترین کتاب داستان مصور است. رودکی شاعر هم عصر سامانیان به دستور امیر نصر بن احمد سامانی کلیله و دمنه را به نظم فارسی درآورد پس از آن کتاب به نقاشان چینی سپرده شد تا آن را مصور کنند از این زمان شاهد رواج نقاشی بر پایه کتاب‌های معروف هستیم. عصر سامانیان، دیلمیان و غزنویان را می‌توان دوره سبک نقاشی خراسانی نامید.

در این دوره توجه به نقاشی و تصویرگری در ایران رونق می‌گیرد. این مهم به مدد استمرار سنت هنر دوستی در میان ایرانیان و ارتباط هنر نقاشی با علوم عقلی (معقول) در عصر اسلامی پدید می‌آید. این ارتقا بیش در میان دیگر اقوام مسلمان نظیر اعراب و ملل ترک به ندرت دیده می‌شود.

در دوره سلجوقی است که هنرهای تصویرگری به اوج و کمال می‌رسد به شکلی که سکه‌ها، کتاب‌ها و ابنیه را با تصاویر مزین می‌کردند. تصویرگری که بر پایه تعالیم اسلامی بود به سمت و سوی ملکوت اشاره داشت.

اولین مدرسه نقاشی و تصویرگری در قلمرو اسلامی، مدرسه بغداد یا مکتب عراقی است. آثاری که در این دوره بوجود آمدند به طور عمده در متون پزشکی، علمی و فنی منتشر شدند. از شناخته شده‌ترین این آثار میتوان به حیل الجامه قزوینی و مقامات حریری اشاره نمود. اگر چه بسیاری از این آثار در اصل به زبان عربی منتشر شدند، اما اکثریت قریب به اتفاق آثار مربوط به هنرمندان مسلمان ایرانی است که از مدرسه بغداد می‌آمدند.

معروف‌ترین نقاش این دوره عبدالله بن فضل است که آثارش در حدود سال 1200 میلادی منتشر شد. خواص الادویه نسخه ای از یکی از کتاب‌های فضل است، "خواص گیاهان و داروها". یحیی بن محمود و اصبی یکی دیگر از هنرمندان سرشناس مدرسه بغداد است، تصاویر مقالات حریری توسط او انجام شده است. این اثر در حال حاضر کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. هنر نقاشی در بسیاری از ممالک اسلامی نظیر سوریه و مصر از جنبش مدرسه بغداد تاثیر پذیرفته اند. بعد از تسلط سلجوقیان بر بغداد

Architecture

معماری و شهرسازی

مصور کردن کتاب های تاریخی رونق گرفت. این تصاویرسازی عموماً از سبک های شرق دور و یا غربی الگوبرداری می کردند. به خاطر حرمت شرعی و چیرگی فرهنگ عربی، مینیاتور هنوز مجالی برای ظهور نمی یافت.

با ورود مغول ها به ایران، با توجه به اهمیتی به نقاشی و تصویرگری داشتند، این هنر تحولی بسیار یافت و نقاشان و سبک های متعدد و نوینی بوجود آمدند. در دوره اشغال در ابتدا با توجه به عداوت حکام مغول با شریعت اسلام و استیلای فرهنگ مغولی - ترکی بر ایران، بروز احکام ظاهری متروک و توجه به درون و باطن گسترش یافت و در حیطه هنر نیز عرفان و معرفت باطنی در تصویرگری تجلی یافتند.

در این دوره نجوم، علوم غریبه و خرافات جاگزین علوم عقلی و دینی در دربار حکام شدند. نقاشی در این دوره مطابق با ذوق مغولان عموماً از تصویرگری چینیان و ترکان خطایی تاثیر میگرفت. و این عرصه برای رقابت حکمرانان با یکدیگر بود اما رونق هنر این هنرمندان از باطن و درون آنها نشات میگرفت و راهی بود برای تجلی باورهای ملکوتی شان در عالم ظاهر.

باور مغولان از جهان اسطوره ها آمده بود که نقاشی به سبک چینی نیز یکی از جلوه های آن بود. نقش سیمرخ و اژدها و یا نقش مرغان اساطیری و ابرها و کوه ها به این شکل به قلمرو هنر ایرانی وارد شدند. حتی با وجود ارتباط دربار مغول با دنیای مسیحیت هنر بیزانسی نتوانست در هنر ایرانی رسوخ کند. در این دوره مکتب تبریز به عنوان نخستین مرکز تعریف نقاشی در دوره مغول ظهور می کند. این مدرسه در کنار مدارس فلسفی بین النهرین توانستند در مواجهه با فرهنگ اساطیری، فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی را تعالی بخشیدند.

نخستین مجال ظهور باور ملکوتی در نقاشی، فضای ماهوی و تمثیلی مینیاتورهای مکتب تبریز است. اولین مظاهر حضور عالم دینی وجود مکان ماهوی و فضای مثالی مینیاتورهای مدرسه تبریز است. در این آثار مفاهیم به صورت راز گونه و مثالی نقش میشوند که این از مشخصات اصیل این هنر است. هدف از خلقت این آثار ایجاد انفصال میان جهان مادی و تجربی انسان با دنیای وهم و باور و حقیقت است. این سبک تصویرسازی و تعریف مفهوم و فضا در تصویرسازی شاهنامه فردوسی و در قرن هشتم به کمال میرسد. در نمونه متعالی از این هنر به مجموعه مینیاتورهای دیوان خواجه کرمانی می رسیم که توسط جنید و میرعلی تبریزی تصویرگری و خوشنویسی شده است در این آثار خالق بهشت زمینی را با ملکوت آسمانی پیوند می زند. (نوری، نظام الدین، 1386: 43).

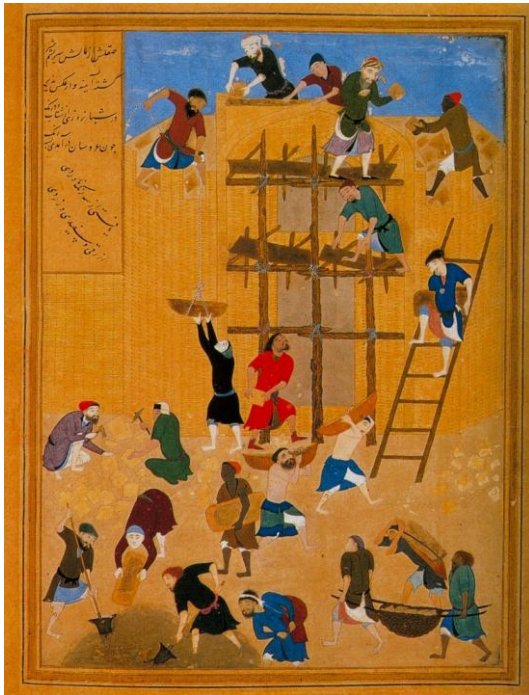
در دوره دوم از سیر تکامل نقاشی در ایران به آثار نقاشان شیراز بر می خوریم. به لحاظ پرداختن به موضوع و محتوی تفاوت هایی میان سبک مکاتب تبریز و بغداد با شیوه نقاشی هنرمندان شیراز وجود دارد. در نقاشی شیرازی به پرداختن به آسمان و درختان بیشتر انسان و حیوان تصویر شده اند و در فضای کمتری برای نمایش آسمان بوجود آمده است.

با رونق شهر هرات و انتقال مرکزیت هنری از شیراز به هرات یکی از شاهکارهای هنری این دوره یعنی شاهنامه بایسنقری ساخته میشود. نسخه کهن نگاره دار شاهنامه فردوسی از سده نهم هجری است که از دید کتاب آرایی و ارزش های هنری از اهمیت فراوانی برخوردار است. این کتاب ارزشمند و نفیس، ۲۲ نگارگری به سبک هرات دارد و در سال ۸۳۳ قمری (809 خورشیدی) به سفارش شاهزاده بایسنقر میرزا فرزند شاهرخ و نوه تیمور گورکانی تهیه شده است. این اثر که در کتابخانه کاخ موزه گلستان نگهداری می شود در سال ۱۳۸۶ در برنامه حافظه جهانی یونسکو به عنوانی نشانی از سوی ایران ثبت شد. (منبع: ویکی پدیا)

Architecture

معماری و شهرسازی

نگار گری ایرانی - درخشش باطنی ملکوت



ساختن قصر خورنوق، اثری از استاد کمال الدین بهزاد

مکتب هرات با ظهور کمال الدین بهزاد به کمال میرسد. او که از اهالی هرات و از شاگردان میر سید احمد تبریزی بود. بهزاد از نوادر هنر ایران است که سبک هرات با او به منتهای کمال خود نزدیک میشود.

آثار بهزاد به تنهایی شامل تمامی مشخصات و وجوه متعالی آثار پیش از خود است. آثار او عموماً به دو گونه تصویر شده اند. گاهی از باطن ملکوتی انسان و عرفان او نقش آفریده (مرقعات گلشن) و زمانی دیگر به دنیای تجربی انسان پرداخته است (هارون الرشید در گرمابه و صحنه ای از برون و درون یک مسجد).

قاسم علی مشهورترین شاگرد بهزاد است که پس از تسلط ازبکان و نیم قرن پس از وفات بهزاد سبک هرات را به بخارا برده و مکتب بخارا را پایه گذاری میکند. محمود مذهب استاد مسلم این سبک شناخته شده است. او به همراه میر علی خوشنویس مشهور نسخه ای از خمسه نظامی را مصور کرده است. سبک بخارا هیچ گاه به مرتبه کمال مکتب هرات نرسید.



معراج پیامبر اکرم از آسمانها - سلطان محمد

پس از فتح هرات، بهزاد به همراه شاه اسماعیل به تبریز می‌رود. و کتابخانه سلطنتی بدو سپرده میشود هنرمندان زیادی در کنار او مشغول به کار میشوند و کار آنان در دو دوره شاه تهماسب به اوج کمال هنر مینیاتور ایران می‌رسد.

شاه تهماسب که خود از زمره شاگردان سلطان محمد نقاش چیره دست عصر صفوی بود و به واسطه او با بهزاد و آقا میرک آشنا شده بود، بزرگترین مشوق هنر تصویرگری در این عصر شد. مینیاتور ایران در طول هفت قرن حیات خود شاهد شکوفایی و درخشش بیمانندی در سایه حمایت شاه صفوی و هنرمندی این سه تن بوده است. سلطان محمد، آقامیرک و کمال الدین بهزاد. (یعقوب آژند نوآوری و تجدید در هنر صفوی هنرهای زیبا دوره: ۷۳). و شاید بتوان اوج هنر مینیاتور در عصر تهماسبی را بتوان در پرده "معراج پیامبر اکرم از آسمانها"، اثر سلطان محمد نگارگر مشهور دوره شاه تهماسب صفوی قرن شانزدهم، نظاره کرد.

دوران افول نقاشی ایران

با پایان عصر تهماسبی همزمان با ضعف نظام صفوی دوران فراز مندی و درخشش نگاری ایران نیز به پایان خود نزدیک میشود. نسخه های تقلیدی هنر مندان قزوین و اصفهان را شاید بتوان انتهای عصر طلایی مینیاتور ایران دانست.

رضا عباسی آخرین نقاش بزرگ مکتب اصفهان است که در ابتدا در سلوک بهزاد بود ولی در ادامه و با ورود اروپائیان به ایران ، راه ورود و تاثیر بسیاری از اصول نقاشی اروپایی در ایران را باز کرد. در این دوره نقاشان ایتالیایی در اصفهان نقاشی میکردند. در عصر رضا عباسی تاثیر نقاشی اروپایی در نقاشی ایرانی و در حجم سازی و پیروی از اصول پرسپکتیو میتوان مشاهده نمود.

از شاگردان معروف رضا عباسی میتوان به معین مصور اشاره کرد. معین مصور معروف به آقا معین، آقا معینا، شهره زمان و نادره زمان، از مشهورترین استادان نگارگری قرن ۱۲ قمری، در میانه های دوران صفوی است. وی از شاگردان با استعداد رضا عباسی و از آخرین بازماندگان بزرگ سنت هنری دوران صفوی بوده و گویا همه ی عمر خود را در شهر اصفهان گذرانده است. او در شبیه سازی و چهره پردازی استادی چیره دست بود و در ارائه ی مجالس بزمی و رزمی و مناظر گوناگون، نقاشی پرمایه به شمار می آمد. پس از پایان دوره رضا عباسی و شاگردانش و در زمانه ای که نگارگری با تکرار شیوه رضای عباسی دچار رکود سقوط شده است ، محمد زمان معروف به آقا زمان ، نگارگر نوگرایی بود که شیوه و مکتب منحصر به فردی را در نقاشی ایجاد کرد شیوه ای که سالیان متمادی هنرمندان و مصوران بعد از وی را تحت تاثیر خود قرار داد محمد زمان ، همراه جمعی از جوانان ایرانی برای



فراگرفتن نقاشی غربی به رم ، مرکز هنری مغرب زمین در آن روزگار ، عازم گردید و شاید مدت دو یا سه سال در آن شهر به سر برد و اصول نقاشی غربی را فرا گرفت . وی هم عصر سه تن از شاهان صفوی ، یعنی شاه عباس دوم ، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین می زیست . پس از بازگشت در اصفهان اندک اندک با ابراز لیاقت و نشان دادن هنر و شیوه جدید خود توجه درباریان و شاه سلیمان (صفی دوم) را جلب کرد و عاقبت جزء نقاشان کتابخانه سلطنتی گردید. هنر فر، لطف الله. شهر تاریخی اصفهان. چاپ چهارم، انتشارات گلهاء، ۱۳۷۶)

شهرت محمد زمان بیش تر به دلیل کپی های آزادانه از گراورهای فرنگی (اروپایی) و همچنین نقش مؤثر وی در ترویج فرنگی سازی است.

مینیاتور ایرانی بعد از قریب دو قرن و خلق آثاری شگرف و معرفی هنرمندانی بزرگ نظیر جنید ، بهزاد ، میرک ، شیخ زاده ، محمدی ، سلطان محمد ، میرسیدعلی و میرزاعلی ، به علت رکود و انحطاط این هنر ، تشنه ظهور و تولدی دوباره بود. نقاشان در پی آن بودند تا شیوه ای بدیع و تازه بیافرینند که در عین تمایز با پیشینیان و اصول مینیاتور ، مورد پسند هنرشناسان و اقبال عامه قرار گیرد . محمد زمان در قم به دنیا آمد. در جوانی به زیارت خانه ی خدا رفت و پس از مدتی در اصفهان به خدمت استاد معین مصور رسید. همچنین نزد شیخ عباسی نیز کسب هنر نمود.

عشاق، نگاره ای از معین مصور، 1642 میلادی

محمد زمان در نگارگری گل ومرغی و در نقاشی از خیابان مهارت داشت. او قواعد پرسپکتیو را به شیوه ی اروپایی در نگاره هایش به کار گرفت. قدیمی ترین اثر به جای مانده از این هنرمند از وی قلمدانی است با نقاشی روغنی که آن را با امضای یا " صاحب الزمان " در تاریخ ۱۰۷۰ هجری قمری به یادگار گذاشته است. از شیوه ی ارقام محمد زمان چنین پیداست



که در نگارش خط نستعلیق و شکسته نیز مهارت داشته است. به هر شکل جریانی که محمد زمان پدید آورد تا زمان تا روی کار آمدن شیوه ابوالحسن ثانی صنیع الملک، مورد توجه و تقلید و پیروی نقاشان ایرانی بوده است.

در ادامه و درمیانه قرن دوازدهم هجری قمری، همزمان با نفوذ فکری و فرهنگی اروپاییان در ایران و نیز شرایط

فالگیر بغدادی-کمال الملک

سیاسی ایران به تدریج شاهد فنا و اضمحلال نقاشی سنتی در ایران هستیم، بعد از آن در دوره فتحعلی شاه و پایان قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری هیچگونه اثر شاخص و تحول بزرگی مشاهده نمی شود.

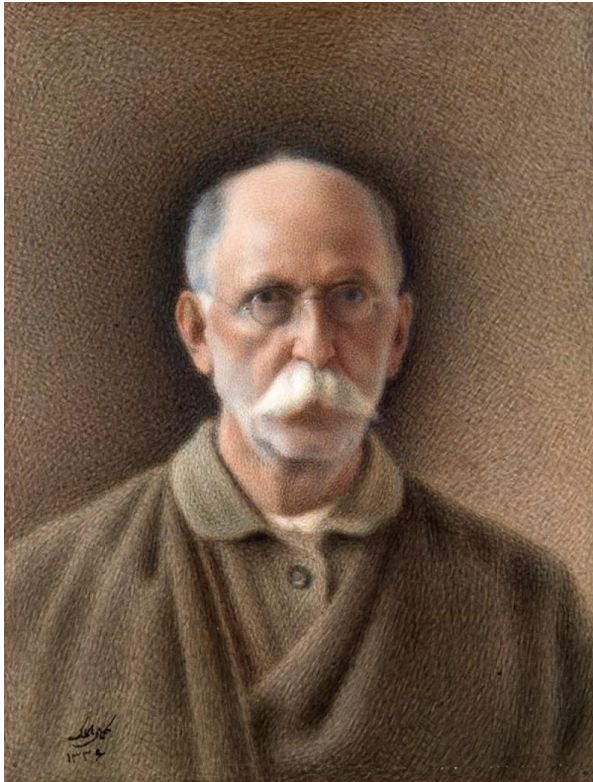
در قرن سیزدهم شیوه نقاشی اروپایی توسط نقاشانی که از فرنگ بازگشته بودند در میان نقاشان ایرانی رواج یافت. در زمان فتحعلی شاه قاجار نقاشی روی بوم های بزرگ رواج یافت. آثاری که او را با ریش نشان میدهند امروزه در دسترس هستند. در کل آنچه که در حال رخ دادن بود آغاز زوال و انحطاط هنر اسلامی در تمامی بلاد اسلامی بود.



آثاری که عمدتاً تقلیدی سطحی و بی مایه از گذشتگان بود و توان هموردی با رنگ و لعاب و جذابیت های بصری اندیشه و هنر غربی را نداشتند. با تاسیس دارالفنون دوباره به نقاشی و طراحی توجه شد اگرچه از دروس اصلی مدرسه نبودند و پیوندی مطمئن با گذشته برقرار نمیکردند.

نقاشانی که به اروپا میرفتند تکنیک اروپایی ها را فرا میگرفتند ولی از آنجائیکه آثارشان صرفاً مشتمل بر به کار بردن تکنیک و خالی از مفاهیم عمیق و پیوند با باطن شرقی شان بود، تقلیدی سطحی و بی مایه می نمود. تا اینکه سرانجام کمال الملک اولین مدرسه هنر را تأسیس کرد. به یقین عصر کمال الملک نخستین مواجهه هوشمندانه و غیر منفعلانه هنر مند ایرانی با دنیای هنر غربی است.

مرد مصری، کمال الملک ۱۸۹۸



محمد غفاری در خانواده‌ای هنرمند و سرشناس در شهر کاشان بدنیا آمد، وی برادر زاده میرزا ابوالحسن غفاری معروف به صنیع الملک از اولین تحصیل کردگان ایرانی در فرنگ و از افراد پرنفوذ دوره قاجار بود. غفاری تحصیلات اولیه‌اش را در مکتب مکاتب زادگاهش گذراند. پدرش میرزا بزرگ که همچون پدرانش دارای حرفه نقاشی بود، ابو تراب، پسر بزرگترش و محمد را برای ادامه تحصیل راهی تهران کرد. کمال الملک پس از حضور در تهران، به همراه برادر

بزرگترش در مدرسه دارالفنون در رشته نقاشی مشغول به تحصیل شد، هر دو برادر در مدت سه سال تحصیل خود توانستند موفقیت‌های بسیاری را کسب کنند. در پایان سال سوم، ناصرالدین شاه در حین بازدید از مدرسه دارالفنون با دیدن تابلویی که از چهره اعتضاد السلطنه، رئیس وقت مدرسه دارالفنون که توسط محمد غفاری کشیده شده بود، تحت تاثیر قرار گرفت و دستور داد تا او را به عنوان نقاش به استخدام دربار در آورند. (منبع: ویکی پدیا)

کمال الملک در پرتو از خود

اهمیت کمال الملک بدلیل اینکه وی بنیان گذار نقاشی مدرن ایران است و هنر نقاشی ایرانی همزمان با عصر اوست که راه خود را به عنوان هنر ملی با شاخصه های جهانی مطرح میکند ما را وامی دارد که بیشتر از او سخن بگوییم و این نوشتار را با او به انتها برسانیم. در حقیقت با او بود که نقاشی شبه ایرانی عصر قاجار به پایان می رسد و صورت و معنای هنر جدید غرب بر هنر جدید ایران عرضه می شود.

کمال الملک که پیش از دوره هنر مدرن و عصر اقبال و استیلای امپرسیونیست ها و اکسپرسیونیست ها بر هنر مدرن می زیست، شیفته تقلید و رویکرد استادان عصر رنسانس بوده و شیوه سبک های پس از آنرا نمی پذیرفت. وی عقیده داشت هنر رنسانس هنری راستین بوده و آثار پس از آن را اساسا هنر نمی دانست.

او به آثار و سبک کار رامبراند و تیسین علاقمند بود. او دو اصل حقیقت و زیبایی موجود در آثار این هنر مندان را منبعث از هنر یونانی میدانست و معتقد به اصالت و برتری هنر یونان بود.

کمال الملک که تحت تاثیر هنر کلاسیک بود اصالت طرح را بنیان هنرمی دانست. اما سبک او را می توان نوعی رئالیسمشبه دانست یافت، اما تقریبا در تمام آثار وی روح تجمل و اشرافیت قاجار به چشم می خورد.

در دوران پهلوی اول او که با استبداد رضاخانی همراهی نداشت از ریاست مدرسه صنایع مستظرفه استعفا داد و به نیشابور و تا پایان عمر (1307 شمسی) در آنجا ماند.

Architecture

معماری و شهرسازی

نتیجه گیری

هنر اسلامی لزوماً برگرفته از آیات و روایات نیست هرچند متأثر و منبعث از آن باشد. همچنین قداست هنر دینی نه در صورت که در سیرت آن است اگرچه در نقد و توصیف زیبایی شناسی آن سخن های بسیار گفته شده است. هنر دینی در هر وجه و نظر و نحله از آن، آن هنرمند مسلمان در تصویر گری باطن ملکوتی و درخشش و کشش درونی او به سمت و سوی مبدا و یگانه نقاش هستی است. تصویرگری اسلامی و ایرانی ثبت نقشی است از بیکران جلوه های بی بدیل هستی که چشم بصیر هنرمند دیده و روح متعالی او درک کرده است و چگونه از پس این مهم برآید مادامی که در خویشتن خویش محبوس است.

هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز
نقشش به حرام از خود صورتگر چین باشد

حافظ

منابع و ماخذ :

- 1- مهناز شایسته فر، رضا عباسی و معین مصور دو هنرمند دوران صفوی، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۲،
- 2- یعقوب آژند نوآوری و تجدد در هنر صفوی هنرهای زیبا دوره: ۷۳
- 3- هنرفر، لطف الله. شهر تاریخی اصفهان. چاپ چهارم، انتشارات گلها، ۱۳۷۶
- 4- نوری، نظام الدین، مکتب ها، سبک ها و جنبش های ادبی و هنری جهان تا پایان قرن بیستم، ۱۳۸۶
- 5- پاکباز، روئین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، انتشارات زرین و سیمین، ۱۳۸۵

6.WIKIPEDIA

7- National Gallery of Art, Washington: ISLAMIC ART AND CULTURE. (2005)

8.SIR THOMAS W.ARNOLD :PAINTING IN ISLAM .DOVER PUBLICATION,INC (1965)